



شورای عالی حوزه های علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

عنوان تحقیق : تحلیل تفسیری علل سقوط قوم لوط از منظر قرآن
کریم

نام استاد :

نام طلبه : سهیلا سرگزی

نیم سال (ترم) دوم

سال تحصیلی ۱۳۹۹

چکیده

قوم لوط یکی از اقوام تاریخی است که خداوند داستان آنان را برای عبرت آیندگان بیان کرده است. این قوم که با نام پیامبران‌شان شناخته می‌شوند، از اقوامی بودند که رفتارهای ناپهنجاری را انجام می‌دادند و بسیاری از منکرات را به نام خود ثبت تاریخ کردند.

رفتارهای ناهنجار این قوم، موجب شد تا عذابی سخت بر آنها فرو فرستاده شود و نابود شوند. خواندن داستان این قوم و تحلیل خداوند از علل و عوامل خشم و غضبی که بر ایشان نازل شد، می‌تواند عبرتی برای همگان باشد. از این رو در این پژوهش، با مراجعه به آیات قرآنی، تحلیل قرآن را از علل و عوامل سقوط این قوم را بیان می‌کنم.

کلید واژه‌ها: لوط ، سقوط ، قوم

رویدادهای گذشته، همچون آئینه ای وقایع حال و آینده را در پیش رو مجسم می کند. آگاهی مردم نسبت به گذشته آنان را برای مقابله با حوادث آینده آماده می سازد. اگر به قرآن کریم مراجعه کنیم صدها آیه در مورد هلاکت و سقوط امتهای پیشینیان آمده که همه به دلیل آن است که انسان از غفلت بیرون آمده و به خطرهایی که فرد و جامعه را تهدید می کند توجه داشته باشیم. استفاده از آیات قرآن کریم و تفاسیر ارزشمند به طور کامل می تواند گامی جهت رسیدن به مقصود باشد

مفاسد اخلاقی بسیار گوناگون است و مصادیق فراوانی را از قبیل استکبار، عناد، جبن، ناامیدی و ترک نماز می توان برای آن برشمرد، ولی در این میان، فساد جنسی قبح و شناعة بیش تری دارد و به تبع آن، نسبت به سایر شاخصه های انحطاط، نقش برجسته تر و آشکارتری را در سقوط افراد و جامعه داراست. از جمله مهم ترین و تاثیرگذارترین وقایع تاریخی، داستان قوم لوط است.

خواندن داستان این قوم می تواند عبرتی برای همگان باشد. رسیدن به مقصود باشد با مراجعه به آیات قرآنی علل و سقوط این قوم از منظر قرآن را تحلیل و بررسی می کنیم.

بیان آیات

در قرآن مجید در سوره های اعراف، هود، حجر، انبیاء، نمل، عنکبوت، شعرا اشاراتی به حضرت لوط، قوم لوط و گناه شنیع آنها شده است.

۱- وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (۸۰) إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ
بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۸۱) وَ مَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۸۲) فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۸۳) وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴) ۱

۱- اعراف، آیه ی ۸۰-۸۴

و(به خاطر آورد) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟» (۸۰) آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار(و منحرفی) هستید! (۸۱) ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند(و با ما همصدا نیستند!)» (۸۲) (چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان(در شهر) بود. (۸۳) و(سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! (۸۴)

۲- وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷) وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزَوْنَ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (۷۸) قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹) قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ (۸۰) قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۸۱) لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ (۸۲) مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٌ (۸۳)^۱

و هنگامی که رسولان ما [فرشتگان عذاب] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد؛ و قلبش پریشان گشت؛ و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت؛ و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.) (۷۷) قوم او(بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند-و قبلاً کارهای بد انجام می دادند- گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم ببوشید!) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» (۷۸) گفتند: «تو که می دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛ و خوب می دانی ما چه می خواهیم!» (۷۹) گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتیم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آن گاه می دانستم با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!)» (۸۰) (فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم! آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده ات را(از این شهر) حرکت ده! و

^۱ - هود، آیه ی ۷۷-۸۳

هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند؛ مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟!» (۸۱) و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [گلهای متحجر] متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم. . . (۸۲) (سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود؛ و آن، (از سایر) ستمگران دور نیست! (۸۳)

۳- فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (۶۱) قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّكَرُونَ (۶۲) قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۶۳) وَ أَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ (۶۴) فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَ أَمْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ (۶۵) وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (۶۶) وَ جَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ (۶۷) قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ (۶۸) وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزَوْنَ (۶۹) قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ (۷۰) قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۷۱) لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۲) فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (۷۳) فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمْ سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ (۷۴)^۱

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند. . . (۶۱) (لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!» (۶۲) گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده ایم که آنها [کافران] در آن تردید داشتند (آری،) ما مأمور عذابیم! (۶۳) ما واقعیت مسلمی را برای تو آورده ایم؛ و راست می گوئیم! (۶۴) پس، خانواده ات را در اواخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛ مأمور هستید بروید.» (۶۵) (و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد. (۶۶) (از سوی دیگر،) اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند. (۶۷) (لوط) گفت: «اینها میهمانان منند؛ آبروی مرا نریزید!» (۶۸) و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!» (۶۹) گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟! (۷۰) گفت: «دختران من حاضرند، اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید، و از گناه و آلودگی بپرهیزید!))» (۷۱) به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده اند!) (۷۲) سرانجام،

^۱ - حجر، آیه ی ۶۱-۷۴

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (۲۸) آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلسان اعمال ناپسند انجام می دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (۲۹) (لوط) عرض کرد: «پروردگار! مرا در برابر این قوم تبه‌کار یاری فرما! (۳۰) و هنگامی که فرستادگان (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند [هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند! (۳۱) (ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است! گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاه‌تریم! او و خانواده اش را نجات می دهیم؛ جز همسرش که در میان قوم (گنه‌کار) باقی خواهد ماند. (۳۲) هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بد حال و دل‌تنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می ماند. (۳۳) ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت! (۳۴) و از این آبادی نشانه‌ی روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می اندیشند باقی گذاریم! (۳۵)

علل سقوط قوم لوط از منظر قرآن کریم

فساد و انحرافات اخلاقی

یکی دیگر از عواملی که از دیدگاه قرآن در نابودی اقوام و ملت‌ها و نیز سقوط و انحطاط تمدن‌ها نقش مهمی دارد انحرافات اخلاقی است که مصداق آن قوم حضرت لوط بودند.

حضرت لوط یکی دیگر از پیامبران بزرگی است که هم عصر «حضرت ابراهیم» بوده و همراه او از سرزمین بابل به فلسطین مهاجرت کرده و بعد از حضرت ابراهیم جدا شد و به شهر «سدوم» آمده چرا که مردم آن منطقه غرق در فساد و گناه مخصوصاً انحراف و آلودگی‌های جنسی بودند.^۱

^۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۹

قوم حضرت لوط مردمی ثروتمند و مرفه و شهوتران و هواپرست بودند ، این قوم لجوج و غیر منطقی که از حدود قوانین الهی پا فراتر نهاده و در جاده انحراف سرگردان ماندند و حاضر نبودند پیامبر خود را بپذیرند و در مقابل او جبهه گرفتند و خواستار بیرون راندن لوط و پیروانش شدند.^۱

قوم حضرت لوط تا آن جا پیش رفتند که از میهمانان او نیز نگذشتند در این قوم همه چیز مرده و به جای آن، شرک و شهوت رانی و دزدی رواج داشت و اثری از خداپرستی و ارتباط با مبدأ هستی دیده نمی شد .جامعه به کلی از مسیر خلقت فاصله گرفت و منحرف شد و خداوند هم طبق سنت خویش و به وسیله نیروهای غیبی با به کار گرفتن همان آب و خاکی که به آن دل بسته بودند هلاکشان کرده و از ایشان اثری جز در تاریخ نماند.^۲

در تفاسیر می خوانیم که قوم حضرت لوط از نظر ادب و اخلاق کاملاً سقوط کرده، در فساد و تباهی غرق بودند؛ به گونه ای که در مجالس عمومی، به یکدیگر سخن زشت می گفتند، قمار بازی می کردند، در حضور جمع برهنه می شدند، به رهگذران سنگ پرتاب می کردند و در حضور مردم، از خود باد معده خارج می کردند، با مسافران لواط نموده و اموالشان را می گرفتند.^۳

تفسیر وَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ^۴ - یعنی (قوم حضرت لوط) قبل از آن زمان که ملائکه بیايند همواره مرتکب معاصی می شدند و گناهان و کارهای زشتی می کردند پس در ارتکاب فحشاء جسور شده بودند، و در انجام فحشاء هیچ باکی نداشته بلکه معتاد به آن بودند و اگر گناهی پیش می آمد به هیچ وجه از آن منصرف نمی شدند نه حیاء مانعشان می شد و نه زشتی عمل، نه موعظه آنها را از آن عمل باز می داشت و نه مذمت، برای اینکه عادت، هر کار زشتی را آسان و هر عمل منکر و بلکه بی شرمانه ای را زیبا می سازد. قوم حضرت لوط به طرف میهمانان لوط هجوم آوردند بطوری که یکدیگر را هل می دادند این هجوم برای این بوده که قوم حضرت لوط معتاد به عملهای شنیع و گناهان شرم آور بودند و انگیزه

^۱ - مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۶ ، ص ۲۴۴

^۲ - نجفی علمی ، محمد جعفر، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران، ص ۱۸۷

^۳ - قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، ج ۷ ، ص ۱۳۶

^۴ - هود ، آیه ی ۷۸

آنان بر این هجوم همان عادت زشتی بوده که فاسقان قوم به گناه و فحشاء داشته و خواسته اند آن عمل زشت را با میهمانان حضرت لوط انجام دهند.

حضرت لوط از در بیچارگی و ناعلاجی به قوم خود می گوید که این دختران من در اختیار شمايند و اينها برای شما بهترند، آن قوم به علت اینکه ملکه فسق و فحشاء در دلهايشان رسوخ کرده بوده ديگر گوش شنوایی برايشان باقی نمانده بود و هيچ موعظه و نصیحتی به خرجشان نمی رفته و به همین جهت جناب حضرت لوط در اولین کلامی که به آنان گفته دختران خود را بر آنان عرضه کرده و سپس گفته است : فاتقوا الله ولا تخزون فی ضیعی - از خدا بترسید و مرا نزد میهمانانم رسوا نکنید.^۱

قوم حضرت لوط تصمیم گرفتند که آن حضرت و کسانش را از بلدشان اخراج نمایند برای آنکه ایشان مردمی منزّه و آنها آورده بودند لذا خداوند جبرئیل و چند ملک دیگر را برای اخراج او و خانواده اش فرستاد و آنها برسم میهمانی بر آن حضرت وارد شدند و زوجه او که با اهل آبادی باطنا هم کیش و موافق بود آنها را شبانه خبر کرد آمدند برای آنکه آن عمل قبیح را با مهمانها انجام دهند خواستند داخل خانه شوند جبرئیل (ع) بال خود را به چشم آنها زد همه کور شدند و حضرت لوط و اتباعش را از میان آنها خارج فرمود فقط زوجه اش باقی ماند برای آنکه باطنا تابع آن حضرت نبود بلکه از مخالفین بود و اینکه خداوند او را از اهل استثناء نموده برای آن است که صورتاً از اهل بیت آن حضرت بوده اگر چه واقعا اهلیت نداشته و در صبح همان شبی که ایشان از آن دیار خارج شدند عذاب نازل شد.^۲

نتیجه گیری

خداوند در قرآن، همواره سرنوشت اقوام پیشین را به عنوان هشدار برای نسل آینده آورده و نوعی پیوند فکری و فرهنگی بین نسل گذشته و حاضر برای درک حقایق ایجاد نموده است. چرا که از ارتباط بین این دو زمان سرنوشت آیندگان رقم می خورد. قرآن کریم اقوام مختلف را یادآور شده و برای هر کدام جرم و صفت خاصی را بر می شمرد. که هر قوم در یک یا

^۱- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۵۰۴

^۲- ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۴۴۸

چند گناه از دیگران پیشی گرفته اند و در آن اصرار داشته اند که قرآن همان گناه یا گناهان را به عنوان عامل سقوط آنها ذکر می کند. مثلاً قوم لوط را با عمل زشت لواط معرفی می کند.

زندگی قوم لوط که به انحراف جنسی و همجنس گرایی و عادات زشت و ننگین دیگر در دنیا مشهورند، و همچنین پایان دردناک زندگی آنها می تواند تابلوی گویایی برای کسانی که در منجلاب شهوت غوطه ورنده بوده باشد. خداوند در آیاتی به این ردیلت های اخلاقی آنها اشاره کرده است. نتیجه منطقی که از این ردایل و انجام پلشتی ها می توان گرفت این که این مردم گروهی بی تقوا بودند و از هیچ امر زشت و بد پروا نداشتند.

منابع

قرآن

- ۱- نجفی علمی ، محمد جعفر، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۸۷ ص، ۱۳۷۱ ش.
- ۲- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ سی و ششم ، ۱۳۸۶.
- ۳- قرائتی ، محسن ، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش
- ۴- طباطبایی ، محمد حسین ، تفسیر المیزان ، دفتر انتشارات اسلامی ، چاپ هفتم ، ۱۳۶۳.
- ۵- ثقفی تهرانی ، محمد ، تفسیر روان جاوید ، تهران: انتشارات برهان ، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ق.